اعتماد

ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار مبارک باد

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۶
۵ جمادی‌الاول ۱۴۳۹
۲۳ ژانویه ۲۰۱۸
سال پانزدهم
شماره ۴۰۰۹
۱۶ صفحه
۲۰۰۰ تومان

ETEMAD Tue □ 23 Jan 2018 □ vol.15 □ No. 4009 □ 16 Pages □ 20000 Rials

«اعتماد» مراکز تصمیم‌گیری در اقتصاد ایران را بررسی کرد

فرمانده کیست؟

۱۰

شب قول

رییس جمهور در گفت‌وگوی تلویزیونی بر وعده‌های اقتصادی دولت تاکید کرد

سرمقاله

۹ نکته مصاحبه رییس جمهور

محمدعلی ابطحی

۱- روحانی سوال مربوط به سانچی را متفاوت جواب داد. تاکید روحانی بر اینکه کشتی نفتکش در اختیار وزارت کار بوده و از این مساله به کوچک کردن بنگاه‌های اقتصادی گریز زد جالب بود اما بخش مربوط به خانواده‌های آسیب‌دیده در این حادثه رسمی بود.

۲- در مورد زلزله رشیدپور سوال خوبی را مطرح کرد و جواب روحانی التیام‌بخش بود. با این حال کاش به بحث مشکلات حفاظتی در کنار مرز اشاره بیشتری می‌کرد. نسبت به بافت فرسوده و تخصیص مجانی زمین و ساختمان ادعای بزرگی کرد که بعید است این در توان دولت باشد و احتمالا از مواردی است که بعد از کلنگ زدن جامعه مدنی باید در این مورد پرسشگر باشد.

ادامه در صفحه ۰۲

نگاه روز

ریشه فساد و اخلاق گرایی

عباس عبدی

امروز برنامه تقدیر از روزنامه‌نگارانی که در نقد و تحلیل و افشای فساد در ۵ سال اخیر مطلب نوشته و منتشر کرده‌اند، برگزار می‌شود. این برنامه به دعوت آقای دکتر توکلی و اینجانب و از سوی دیده‌بان شفافیت و عدالت در فرهنگسرای رسانه از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر برگزار می‌شود و افراد محترمی داوری مطالب را عهده‌دار بوده‌اند. نکته جالب ماجرا اینجاست که هزینه ۱۵ سکه اهدایی از سوی شخص محترمی انجام شده که مبالغی را برای انجام امور خیریه و بهبود وضع جامعه منظور کرده است ولی به جای روش‌های مرسوم در انجام امر خیر که البته روش‌های خوبی هم هست، روش بهتری را برگزیده و آن کمک به امر مبارزه با فساد است و باید امیدوار بود که جامعه ما به سوی توسعه مفهوم امر خیر گام بردارد.

ابتدا قرار بود که در کنار تقدیر از روزنامه‌نگاران، رسانه برتر در مبارزه با فساد نیز معرفی شود، ولی در نهایت بنا به ملاحظاتی این هدف کنار گذاشته شد، هرچند بنده به صفت آنکه سال‌هاست در روزنامه اعتماد می‌نویسم، وظیفه خود می‌دانم که در اینجا این نکته را یادآوری کنم که در این مدت ده‌ها یادداشت در تحلیل و نقد موضوع و مصادیق فساد در روزنامه نوشته‌ام که به یاد ندارم تاکنون موردی از این نوع نوشته‌ها رد شده باشد، بلکه همواره با استقبال هم مواجه شده است، شاید فرصت کنم، مجموعه یادداشت‌های مرتبط با مساله فساد را چه در «اعتماد» و چه در سایر رسانه‌ها به ویژه شهروند و صدا در یک مجموعه تقدیم خوانندگان کنم. چرا فساد تا این حد گسترده و از آن بدتر اینکه به امری عادی تبدیل شده است؟ به نظر بنده فساد در جامعه ایران از آنجایی ریشه گرفت که خواستیم جامعه را اخلاقی کنیم! حتما از خواندن این جمله تعجب خواهید کرد؛ و احتمالا گمان می‌کنید که بنده ضد اخلاق هستم. اگر چنین برداشتی دارید، زود قضاوت کرده‌اید. قدری تامل کنید، شاید نگاه‌مان به یکدیگر نزدیک‌تر شد. البته این مساله را تاکنون چندبار گفته‌ام و اکنون به نحو دیگری آن را تکرار می‌کنم. فساد از هنگامی ریشه دواند که عده‌ای گمان کردند مشکل ما در اداره کشور و امور جامعه، فقدان افراد سالم و اخلاقی و پاکدست است. آنان چندان اعتقادی به نهادها و مقررات نداشتند. اوایل انقلاب بسیاری از افراد انقلابی و سلیم‌النفس و به معنای دقیق جهادگر و ایثارگر وارد فعالیت‌های اداری و کشوری شدند.

ادامه در صفحه ۱۱

اقتصاد

نوسانات ارزی و توان اقتصاد

جعفر خیرخواهان

نمی‌توانیم نوسانات قیمت ارز را بررسی کرده و از کنار اینکه دولت یکی از اصلی‌ترین عرضه‌کنندگان ارز در کشور است، نوسانات قیمت ارز می‌تواند قیمت تمام شده واردات و صادرات را تغییر دهد و اینکه قیمت ارز می‌تواند در رقابت‌پذیری تولید موثر باشد، به راحتی بگذریم.

ناگفته پیداست که هر زمانی که قیمت دلار در بازار روابط متوازن‌تری با ریال دارد، واردات به صرفه‌تر است و در نهایت از این محل تولید داخلی زیان دیده و قدرت رقابت‌پذیری خود را از دست می‌دهد و برعکس هرگاه قیمت دلار افزایش می‌یابد به دلیل اینکه رابطه‌ای معکوس با آنچه پیش‌تر عنوان شد پیدا می‌کند، صادرات به صرفه شده و در عین حال واردکنندگان مجبورند با بهای بیشتری خرید کنند که در نهایت به زیان مصرف‌کننده خواهد بود.

در نتیجه حاصل این معادله خبر از تمایل تولیدکننده و صادرکننده به افزایش قیمت دلار می‌دهد و واردکنندگان و مصرف‌کنندگان به قیمت پایین دلار تمایل دارند. در ایران با آنکه همه مسوولان و اقتصاددانان حمایت از تولید داخل و تقویت اقتصاد ملی را یک اصل مهم می‌دانند، ولی در عمل به دلیل فشار سیاسی واردکنندگان و مصرف‌کنندگان، بانک مرکزی همواره در تلاش است تا قیمت ارز را پایین نگه دارد؛ به بیان دیگر این حکایت دایمی اقتصاد ایران در تمام سال‌های پس از انقلاب بوده است اما برای آن هیچگاه راهی علمی و منطبق برای واقعیت اقتصادی پیدا نشده و به همین دلیل پایین نگه داشتن قیمت دلار همواره به شکل دستوری و از بالا بوده است. امری که در نهایت موجب می‌شود پس از چند سال فشار فنر تورمی انباشت شده و با در رفتن این فنر تورمی قیمت دلار به صورت فزاینده‌ای افزایش یابد، اتفاقی که در سال جاری رخ داد.

در این میان صحبت‌های رییس کل بانک مرکزی که نسبت به کاهش قیمت ارز تا عید ابراز امیدواری کرده است نیز، یادآور وعده‌هایی است که آقای بهمنی در دوران جهش قیمتی اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ می‌داد. ایشان آن زمان می‌گفتند بازار توجیه اقتصادی ندارد و قیمت ارز کنترل خواهد شد. ولی در عمل اتفاق معکوس رخ داد. آقای سیف نیز دقیقا همان صحبت‌ها را بعد از ۶ سال تکرار کرده‌اند. متاسفانه به نظر نمی‌رسد جامعه چندان به این گفته‌ها توجه کند و در این روزها حتی زنان خانه‌دار نیز که پس‌اندازی داشتند، متقاضی ارز شدند.

ادامه در صفحه ۱۰

دیپلماسی

روی هوا انتقاد نکنیم

علی‌اکبر فرازی

بعد از اعلام ساختار جدید وزارت امور خارجه و اجرای آن از ابتدای بهمن ماه، صاحب‌نظران مختلف اظهارنظرهای گوناگونی پیرامون این قضیه کرده‌اند؛ اظهارنظرهایی که از پیش از عملی شدن این تصمیم، درست از زمانی که محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، پیشنهاد آن را مطرح کرد، در میان دلسوزان و کارشناسان مطرح شده‌بود. گروهی از کارشناسان، مخالف و منتقد این ساختار جدید هستند. استدلال آنها این است که معتقدند که محدودتر شدن تعداد معاونت‌های وزارت خارجه و حذف معاونت‌های منطقه‌ای باعث می‌شود که دامنه کار کارشناسان محدودتر بشود. در برابر گروهی کارشناسان کاملا نظر عکس دارند و معتقدند که با حذف معاونت‌های متعدد، کارها مستقیما از بدنه کارشناسی به وزیر و مسوولان تصمیم‌گیر منتقل می‌شود، در نتیجه با حذف واسطه و بوروکراسی میان بدنه کارشناسی و راس تصمیم‌ساز وزارت امور خارجه، نوعی شادابی و چابکی در عملکرد این وزارتخانه به وجود خواهد آمد. در عین حال انتقادهایی هم از احیای معاونت اقتصادی بیان می‌شود و گفته می‌شود که معاونت اقتصادی یک بار قبلا تجربه شده و امتحان خود را پس داده است. به گفته این منتقدان اگر قرار بود معاونت اقتصادی موثر باشد، همان روش کار ادامه پیدا می‌کرد و حذف این معاونت از ساختار وزارت خارجه نشانه ناکارایی آن بوده است.

گمان من این است که صرف تغییر ساختار و تغییر نام‌ها به تنهایی شواهد کافی در اختیار ما نمی‌گذارد که بتوانیم قضاوت کنیم که چنین تغییرات و تحولاتی حتما موفقیت‌آمیز است یا محتوم به شکست. باید فرصت و زمان کافی در اختیار وزیر امور خارجه گذاشت تا این چارت جدید را جا بیندازد و نتایج عملکرد آن مشخص بشود. تا جایی که من اطلاع دارم، در همین ابتدای اجرای ساختار جدید، مسوولان تصمیم‌ساز وزارت خارجه بدون واسطه با بدنه کارشناسی در تماس بودند و جلساتی که طی یکی، دو روز اخیر برگزار شده است و خبرهایی که مطرح کرده‌اند حاکی از این بود که جلسات بسیار مثمر ثمر بودند، چرا که شخص وزیر مستقیما از محصول کار کارشناسان باخبر شده‌است.

در مورد معاونت اقتصادی هم، ممکن است بخشی از انتقادها را پذیرفت، مساله اینجاست که اگر قرار باشد که معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه، مو به مو همان تجربه گذشته را تکرار کند، در واقع چیزی بیشتر از یک معاونت هماهنگ‌کننده نخواهد بود و اثرگذاری آن زیاد نیست.

ادامه در صفحه ۰۶

جامعه

ریشه مشکلات پرستاران

فاطمه سعیدی

فرا رسیدن سالروز تولد حضرت زینب(س) و روز پرستار را به تک‌تک پرستاران شریف این دیار تبریک می‌گویم. علاقه‌مندم در این فرصت به جای تعارف‌های مرسوم، نگاهی کوتاه بیندازم به دغدغه‌های اصلی جامعه پرستاری کشور. روشن است که پرستاران بخش مهمی از نیروی انسانی تشکیل‌دهنده نظام بهداشت و درمان هر جامعه‌ای هستند. در ایران نیز به گواه مراجع تخصصی جامعه پرستاری ایران جزو گروه‌های شغلی توانمند و دارای بلوغ تخصصی به شمار می‌روند. با این وجود، همگام با بلوغ حرفه‌ای و تربیت نیروهای کارآزموده در مراکز دانشگاهی، نظام حرفه‌ای و اشتغال پرستاران به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای آنها نبوده و نیست. البته نباید اقدامات مثبت سازمان نظام پرستاری، وزارت بهداشت و مجلس را در سال‌های گذشته نادیده گرفت. اما روشن است که این اقدامات کافی نبوده است. مواردی چون: کمبود پرستار در مراکز درمانی دولتی، نسبت نامتوازن ساعات فعالیت پرستاران با پرداخت دستمزد و کارانه پرستاران، ساعات زیاد کار پرستاران و مواردی از این دست از جمله چالش‌های مهم این حوزه محسوب می‌شوند. در عین حال تضادهای شکل گرفته شغلی میان جامعه پرستاری و سایر گروه‌های شغلی در بخش درمان گاهی اوقات موجب هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی نظام سلامت و ایجاد تنش‌های ناخواسته‌ای شده که پیامدهای مطلوبی در فضای حرفه‌ای بر جا نگذاشته و نمی‌گذارد. اما برای رفع این چالش‌ها چه می‌توان کرد؟ مسلما یک شبه و با یک دستور نمی‌توان این چالش‌ها را از پیش رو برداشت. اما به هر روی باید با هم‌افزایی میان مجلس در مقام قانونگذار، سازمان نظام پرستاری در مقام تشکیلات صنفی و دولت به عنوان قوه اجرایی به فکر گشوده شدن راه جدید برای گره‌های موجود باشیم. نمایندگان مجلس هم خودشان را در این زمینه مسوول می‌دانند اما باید راهبردی واقع‌بینانه و دست یافتنی را طراحی کنند. اما این تصمیم‌گیری بدون مشارکت پرستاران زبده و کسانی که سال‌ها در این بخش کار کرده‌اند، ممکن نیست. آنچه اکنون قدری جای نگرانی دارد تضادهای بی‌فایده‌ای است که موجب برخوردهای احساسی با مشکلات جامعه پرستاری است. ما برای رفع چالش‌ها در یک فرصت مناسب باید به راه‌حل‌هایی فکر کنیم که ضمن کاهش تضاد میان گروه‌های شغلی نظام سلامت، آنها را به حل و فصل مسائل در یک بازه زمانی روشن امیدوار سازد. شاید در گام نخست لازم باشد در این باره گفت‌وگوهای شفاف، توام با احترام، تخصصی و مستدل میان ذی‌نفعان و تصمیم‌گیران شکل بگیرد.

سیاست - ۱

مصیبت کادرسازی

حسین نورانی‌نژاد

جریان اصلاحات امروز با شبه‌بحران کادرسازی در نسل دوم و سوم خویش مواجه است. چند دلیل را می‌توان در چرایی بروز این بحران برشمرد. یکی اینکه نسل اول اصلاح‌طلبان در سنین کم وارد عرصه سیاست شدند. همین امر سبب شده تا نسل‌های دوم و سوم پشت صف طولانی‌تری برای ورود به عرصه سیاسی و مدیریتی قرار بگیرند. زمانی که نسل دوم می‌خواست وارد عرصه شود، نسل اول اصلاحات در سنین میان سالی و کماکان مدعی حضور در قدرت بود. بنابراین کار برای نسل‌های بعدی سخت شد. به علاوه در بین اصلاح‌طلبان نسبت به اصولگرایان تفاوت فرهنگی و فکری و سبک زندگی بین نسل اول و دوم و سوم اصلاح‌طلب بیشتر است. همچنین نسل دوم و سوم اصلاح‌طلبان که سنینی بین ۳۰ تا ۴۵ دارند، زمانی که آماده حضور در عرصه سیاسی و مدیریتی شدند، با دولت آقای احمدی‌نژاد مواجه شدند و عملا امکان حضورشان فراهم نبود. آنها در دوره‌ای که باید رشد می‌کردند، پشت خط انسداد ماندند. البته بطور کلی هم نسل اولی‌ها توجهی به کادرسازی و استفاده از نسل‌های بعد نداشته‌اند. چه زمانی که در قدرت حضور داشتند و چه در دوران مهجوریت از قدرت کادرسازی در اولویت اصلاح‌طلبان نبود. نه تنها در حوزه اجرایی چنین ضعفی دیده می‌شود، بلکه در حوزه سیاسی هم‌چنین خلایی دیده می‌شود. در چند سال اخیر برای بستن لیست‌های انتخاباتی یا انتخاب مدیران ارشد اگر هم به اقتضای شرایط به سراغ جوانان آمدند، افرادی بودند که به اصطلاح سفید بودند، در این مدت فعالیت چندانی نداشتند و نسبت به تعهد به اصلاحات اطمینان خاطر مقبولی درباره آنان وجود نداشته است. بسیاری از چهره‌های پای کار و سیاسی‌تر نسل‌های دوم و سوم اصلاح‌طلب پذیرفته بودند که به خاطر اقتضائات سیاسی، این حوزه‌ها به چهره‌های سفید واگذار شود. در لیست‌ها افرادی آمدند که پیش از آن نام‌شان هم به گوش نخورده بود و فعالیت چندانی در احزاب و گروه‌ها نداشتند. اما در مرحله انتخاب افراد برای نهادهای سیاسی درون جبهه اصلاحات که شورای نگهبان دخالتی ندارد. برای حفظ خلوص جریان سیاسی اصلاحات فضای حراست گونه و گزینش گونه که از حوزه‌های اجرایی و حکومتی به حوزه سیاسی درون اصلاحات تسری پیدا کرده است، باید جمع شود. مثلا وقتی که بحث در مورد شورای عالی سیاستگذاری مطرح می‌شود، افرادی وارد عرصه می‌شوند که فعالیت سیاسی چندانی نداشته‌اند و سعی کرده‌اند که سفید بمانند.

ادامه در صفحه ۰۳

سیاست - ۲

باز تولید برادری‌های ۶۸

مجتبی حسینی

تیر زهرآگین بحران‌سازی مخالفان جمهوری اسلامی، انقلاب و نظام و مردم را از پا نینداخته اما دردسرها و اثرات نامطلوبی به دنبال دارد. بیماری‌ها و گرفتاری‌های امروز ایران منحصر به توطئه دشمنان‌مان نیست. اما آنها را نباید دست کم بگیریم. آنها می‌توانند در سرایت بیماری‌های اقتصادی - سیاسی و اجتماعی - فرهنگی موثر واقع شوند و مشکلات را مشدد کنند. شکاف میان طبقات فرادست و فرودست، شکاف نسلی، کاهش قدرت خرید مردم، بیکاری، تورم، ناهنجاری‌های اجتماعی، فساد سیاسی و اقتصادی و امثالهم بی‌شک نشانه ضعف‌هایی است که در جامعه ما و به ویژه در سیستم و ساختار مدیریتی کشور وجود دارد. شرایط ما اینگونه است که در داخل ایران مطالبات ریز و درشت مردم تا حد زیادی بر زمین مانده، شعاع نارضایتی از طبقه فرودست به طبقه فرادست جامعه رسیده و روز به روز اشتراکات این دو طبقه بیشتر می‌شود. فرودستان تامین نیازهای اولیه زندگی خود را از حاکمیت می‌طلبند و ساکنین طبقه متوسط مطالباتی مانند حقوق مدنی و سیاسی را دنبال می‌کنند. گاهی فرادستان هم به این طبقه متوسط ملحق می‌شوند. همین ضعف‌ها و آسیب‌هاست که قدرت‌های جهانی به‌ویژه ایالات متحده را به صرافت «رژیم چنج» در ایران انداخته. این هدف نه احتیاجی به رمز گشایی دارد و نه امر پیچیده‌ای است. نه فقط ترامپ که دیگر روسای جمهور امریکا اعلام کرده‌اند که ایران باید تغییر کند و امریکا همه تلاشش را برای تغییر ساختار نظام سیاسی در ایران به میدان می‌آورد. در این میان اوباما یک استثنا بود و اذعان کرد که نباید به دنبال رژیم چنج باشند اما نفوذ قدرتمند لابی اسراییل در میان سناتورها و نمایندگان کنگره و همچنین تعریفی که امریکایی‌ها از منافع ملی شان دارند باعث شده تا امریکا همواره جدی‌ترین دشمن قسم خورده جمهوری اسلامی باشد. خدارا شکر ایران مقتدر است و قطعا امریکایی‌ها آرزوی خود را به گور می‌برند. اما سوال اینجاست اگر وضعیت به همین منوال پیش برود و اتفاقات محتمل و مفروض دیگری، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را تشدید کند آیا باز هم می‌توان مطمئن بود که اتفاقی رخ نمی‌دهد؟ کاری به ناامیدها نداریم. آنها در هر شرایطی خود را می‌بازند و عقب می‌نشینند. شاید بهتر این باشد که سعی کنیم جلوی ورود ناامیدها را به بدنه مدیریتی کشور بگیریم و حضور آنها را در عرصه تصمیم‌گیری و اجرا و تقنینی مانع شویم.
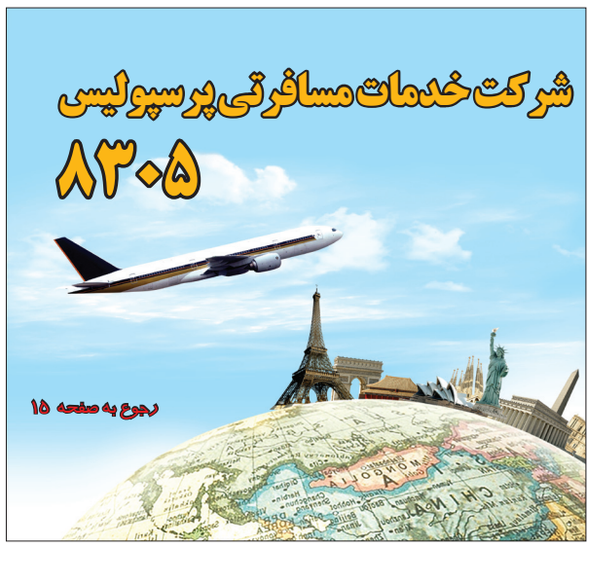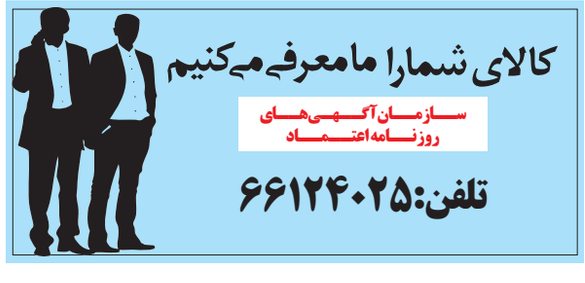
ادامه در صفحه ۰۳